

# ای دوستان در این ایام وقوعاتی در این زندان واقع گشته...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۲۸

ای دوستان در این ایام وقوعاتی در این زندان واقع گشته و جمیع از مقدرات غیبیه و تقدیرات لاریبیه است لهذا این آوارگان در نهایت صبر و سکون و توکل بر رب رؤوف سر تسلیم نهاده ایم و ابداً حزن و اندوه و تشویش و اضطراب نداریم مطمئن به فضل و عنایات الهیه و منشرح از نفحات قدس روحانیه هستیم هرچند به ظاهر اسباب تفکر و تحیر موجود ولی به دل و جان منجذب فیوضات ربّ و دودیم. الحمد لله در مدّت سی و شش سال در این زندان در نهایت راستی و درستی و حقّ پرستی به حال خود مشغول و مخالف آداب و سلوک و شرع و قانون حرکتی از ما صادر نشده در این مدّت به نفسی منازعه نموده و تعدّی به حقوق شخصی نکرده و مخالف رضای حکومت سلوکی نموده ادنی مراجعتی در این مدّت به حکومت واقع نگشته و شکایتی نفسی از ما نموده این چند نفوس آواره در کمال سکون و وقار در گوشه قناعت و فراغت ایامی بسر برده ولی چه فائده که در این زندان نیز از حسد بدخواهان محفوظ نمانده و از تعرض بدگویان مصون نگشته باز حاسدان در کمینند و بدخواهان در نهایت بغض و کین لهذا بعد از سی و شش سال حاسدان بدخواه به مفتریاتی برخاستند و ولوله‌ای انداختند. مختصر این است که شخصی در اینجاست مستنطق یاسین نام مدّت ده پانزده سال است که در اینجا مستنطق است این شخص را نهایت احترام و رعایت مینمودم و انعامات کثیره محض کرم به او میکردم حتی وقتی شکایت از تأخیر معاش و مواجب نمود سه ماه متتابعاً اعانت معاشیه به او شد بعد روزی در نزد این



ORIGINAL



AUDIO

عبد آمد گفت شما چند نفر از هواداران خویش را به قصر بفرستید تا با هواداران اخوی میرزا محمد علی منازعه نمایند و مضاربه کنند بعد من هواداران میرزا محمد علی را در تحت استنطاق مجرم و متهم مینمایم و حبس میکنم. من ملاحظه کردم باوجود نهایت رعایت چنین دسیسه و وساوسی مینماید که در میان طرفین مضاربه و مقاتله حاصل گردد بعد طرفین را در تحت استنطاق گرفته ارتفاع زیادی نماید باوجود این محبتها چنین خیانتی در خاطر دارد. لهذا من بالمره معاونت حتی معاشرت را با او قطع نمودم این وسیله در دست اخوی میرزا محمد علی افتاد دید این شخص از من مکدر است فوراً با او ارتباط یافت و چون آن شخص مستنطق با جمعی در این بلد نهایت ارتباط و الفت دارد علی الخصوص علما لهذا با میرزا محمد علی شب و روز مجالس و معاشر شدند و اساس فساد و فتنه‌ای گذاشتند جمیع به تعلیم برادر و مجدالدین بود و مؤاربه در میان مستنطق و بعضی از علما و ایشان این که اگر بلائی بر سر من وارد شود جانشین میرزا محمد علی خواهد بود آن وقت واردات محمد علی بی‌پایان گردد و مستنطق و آن علما ثروت بی‌پایان خواهند یافت.

جوهر مقصود این است تا آن که مستنطق و عونه خفياً کسانی چند را به تقدیم لوائح فسادیه به عتبه علیا واداشتند آن لوائح به عتبه علیا رفته از آنجا هیئت تفتیشیه به اینجا ارسال شد ولی افسوس که هیئت محترمه را با وجود عدالت و بی‌غرضی اطلاعی از وقایع سالفه نه که این مستنطق و عونه او با میرزا محمد علی باطناً مرتبط و با کمال عداوت و بغضا هستند لهذا هیئت محترمه نظر به عدم اطلاع مستنطق معهود را طلب فرموده و از او استفسار کردند و استیضاح مسائل جستند او نیز در نهایت مکر و خدعه تفصیلی ذکر نمود و نفوسی که عونه او هستند آنها را به مقام شاهد گذراند و چون هیئت تفتیشیه به کلی حسب المأموریه این تحقیقات را مکتوم داشتند لهذا شخص صادق نبود که حقیقت واقع را بیان نماید و الی‌الآن قضیه مکتوم است ولی از قرائن چنین معلوم میشود که رفقای برادر سرّاً تبلیغاتی مخالف واقع افترا نموده‌اند و گفته‌اند و به جهت اثبات باز سرّاً نفوسی را تحریک نموده‌اند که آن نفوس نیز تصدیق نمایند و این آوارگان نیز سی و شش سال است در این زندان نه دوستی داریم و نه آشنائی قاطبه اهالی و وجوه مملکت در نهایت خلاف و شقاقند دیگر معلوم است چه گفته‌اند و چه خواهند گفت. سبحان‌الله شخصی حمدی نام در باغ ما هشت سال پیش شاگرد باغبان بود بعد گاوها را دزدید و دست دزدان داده بردند در سائر جهات فروختند قضیه معلوم شد اقامه دعوی بر او نمودیم و دزدی او ثابت شد و مدت مدیدی در حبس ماند و قیمت گاوها را از او تحصیل نمودیم بالطبع این شخص در نهایت بغض و عداوت است مستنطق چند روز پیش او را آورده خفياً تعلیماتی به او داده که هیئت تفتیش تو را خواهند خواست و چنین و چنان از تو سؤال خواهند کرد و باید تو چنین جواب گوئی از قرار مسموع از خود حمدی مذکور هیئت تفتیشیه او را نیز خواسته‌اند و از چنین دشمنی استفسار فرموده‌اند

زیرا هیئت محترمه مطلع بر وقوعات سالفه نیستند و نمیدانند که این شخص با ما چه بغض و عداوتی دارد.\*\*.\*\*

و از جمله پروتستانها به سبب مسئله امریکا و اوروپا نهایت عداوت را با ما دارند وقتی که امریکانیها آمده بودند شخصی از پروتستانت به درجه‌ای به غلیان آمده بود که نعره و فریاد میزد در آن وقت از شدت بغض و عداوت در نزد بعضی از اهالی عکا گفته بود که شما گمان میکنید که بهائیان بر ضد شما نیستند من از شخصی شنیدم که معاذالله نسبت به دین اسلام بد میگفت حال بعد از چهار سال مستنطق او را خواست گفت باید که آنچه شنیده بودی در نزد هیئت تفتیشیه بیان کنی آن شخص باوجود بی‌دینی و نهایت عداوت ملاحظه کرد دوباره دروغ نزد و گفت من چنین چیزی نشنیدم بعد مستنطق او را تهدید نمود که عواقب این مسئله از برای تو مضر است بیا و چنین و چنان بگو آن شخص ابا کرد رفتند خانه او را جستجو کردند و او را آوردند حبس کردند بعد توفیق افندی عبدالله که از وجوه اسلام است و رفیق آن پرستان است از برای او خبر فرستاد که اگر چنان که لازم است تقریر ندهی به ایمان ابدی میروی آن شخص پرستانت نیز هراسان شد و آنچه منتهای آرزوی مستنطق بود بیان و هذیان گفت. سبحانالله باوجود آن که طائفه پرستانت خون ما را میخورند زیرا این گروه میخواهند که جمیع ملل را داخل در پرستانت کنند و مبالغ کلیه در این مورد صرف مینمایند حال ملاحظه میکنند که در امریکا و اوروپا جمع کثیری از خود ایشان که آباء و اجدادشان هزار و نهصد سال پرستانت یا از سائر مذاهب مسیحیه بود آنها مقرر و معترف به جمیع انبیا و رسل گشتند و مؤمن به جمیع کتب و مقرر و معترف به بزرگواری بهاء الله حتی قرآن تلاوت مینمایند البتّه این مسئله بر آنها گران است و به قدر امکان به اقترا و بهتان پردازند مختصر این است که حضرت ملای رومی میگوید:

چون قلم در دست حسّادی فتاد      لاجرم منصور بر داری فتاد

یعنی مادام برادر به هوس جانشینی این نوع فساد مینماید و بدخواهان در این مملکت بعضی محرر لائحه و بعضی شارح لائحه و بعضی شاهد لائحه و نفسی موجود نه که به هیئت محترمه تحقیقیّه بیان حقیقت کند و شمه‌ای از وقائع سالفه عرض نماید و غمخواری نیز در میان نه و ما آواره و بی‌معین و نصیر و بی‌آشنا و بی‌حامی و در این دیار غربت دیگر معلوم که عاقبت چه خواهد شد.\*\*.\*\*

باری شما نظر به این امور ننمائید توجه به خدا کنید و توسّل به ملأ اعلیٰ جوئید به موجب لوح بشارات و لوح کلمات و لوح اشراقات و لوح تجلیات سلوک و حرکت نمائید وصایای حضرت بهاء الله را فراموش نکنید از برای جمیع بشر رحمت مجسم باشید و مروّت مشخص آیت فضل الهی باشید و رایت

موهبت ربّانی نظر به اعمال و افعال خلق نکنید بلکه به خالق نظر نمائید جمیع را او خلق نموده است و کلّ آیت قدرت او هستند و چون آیت قدرت او هستند نهایت رعایت را مستحقّند. به کلّ مهربان باشید و با جمیع در نهایت صدق و امان. آنان آنچه کنند و آنچه روا دارند ضرری ندارد شما باید بالعکس معامله کنید جور را به عدل، بغض را به محبّت اهانت را به اعانت مخالفت را به موافقت زهر را به شهد سمّ را به دریاق مقابله کنید.\*\*\*

الحمد لله عصر انوار است و قرن علم و عرفان اخلاق و اطوار سابقه امم غیرموافق در این عصر مکرم چون که چشمها روشن است و قلوب اهل عرفان گلزار و گلشن باید به نفحات رحمانیه معامله به خلق نمود و به محبّت اصلیه ملاطفت کرد انسان را حضرت یزدان مظهر رحمانیت نموده تا انوار محبّت و الفت بر عالم امکان بتابد این است موهبت یزدان این است عنایت حضرت رحمن\*\*.\*\*

ای یاران الهی اگر زخمی خورید بر زخم دشمن مرهم نپید اگر سمّی داده شوید شهدی بخشید و درد بدخواهان را درمان گردید اگر دشنام بشنوید تحیّت و سلام گوئید ملاحظه مینمائید که اهل عالم گوی سبقت و پیشی را از درندگان برده‌اند و در صحرای منشوریا چه قیامت برپا که دریای اصفیر به خون مقتولان بحر احمر گشته ناله و حنین کشته‌گان است و فریاد و فغان مصیبت زدگان که به عنان آسمان رسیده اقلّاً شماها بکوشید تا به عالم انسان روح و ریحان دهید و سبب دوستی و راستی و محبّت بی‌پایان گردید تا درندگان فرشتگان گردند و خونخواران مهرپرور و مهربان شوند، گرگان اغنام گردند و پلنگان آهوان خوش خرام شوند باز کبک پرقهقهه گردد و شاهین کبوتر خوش آواز و نغمه شود شجره زقوم فاکهه مطبوع به بار آرد و حنظل مذموم شهد مکرر مقبول دهد به اخلاق و اطواری مبعوث گردید که ایران را رشک روضه جنان نمائید و فارس را فردوس حضرت رحمن نمائید سریر سلطنت شهریار ایران را بنده صادق مطیع باشید و پایه سده ملوکانی را خاضع و خاشع و وضع به موجب تعلیمات حضرت بهاءالله در این خصوص حرکت فرمائید و در حقّ ما دعا کنید و به درگاه احدیت عجز و نیاز نمائید بلکه از تیر افترای گران این آوارگان محفوظ و مصون مانند و علیکم التّحیّة و الثّناء. \*\*عباس\*\*

